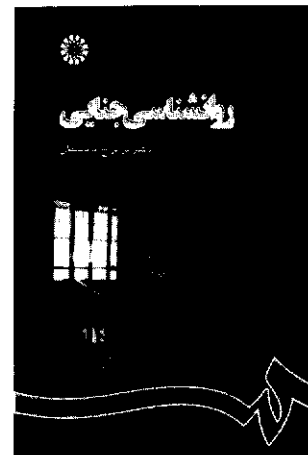


## کاربرد روانشناسی در عرصه قانون



محمد تقی دلخوش  
دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران جنوب

- روانشناسی جنایی  
- دکتر پریرخ دادستان  
- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)  
- ۱۳۸۲، ۴۵۵ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۹۰۰۰ ریال.

«در حال حاضر، کاربرد روانشناسی در قلمرو قانون، توجه تمامی متخصصان زمینه‌های تجربی و کاربردی روانشناسی را نسبت به خود معطوف کرده است و این کاربردها آنقدر متنوعند که محال است بتوان آنها را تحت یک عنوان ارائه کرد یا آنکه در یک اثر به تمامی آنها پوشش داد..... هدف اصلی این اثر از سویی ارزشیابی پیامدهای پژوهشهای اخیر روانشناسی جنایی در مقایسه با روی‌آوردهای سنتی و از سویی دیگر، بررسی اصول و روشهای مداخله‌های روانشناختی در مورد شهود، متهمان، مجرمان و متخلفان است....».

این مقدمه برگرفته از کتاب روانشناسی جنایی، اثر دکتر پریرخ دادستان، از روانشناسان برجسته ایرانی است که توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، در ۴۵۵ صفحه در سال ۱۳۸۲ انتشار یافته است. کارنامه درخشان مؤلف در پژوهش، ترجمه و تألیف و جایگاه ویژه آثار وی در ردیف منابع اصلی دروس دانشگاهی در زمینه روانشناسی، این انتظار را که اثری ممتاز در پیش روی علاقه‌مندان قلمروهای روانشناسی به‌کار بسته قرار گرفته است، موجه می‌سازد. از زمان انتشار کتاب روانشناسی جنایی روانشاد دکتر علی‌اکبر سیاسی در سال ۱۳۴۳ تا انتشار اثر حاضر، یازده اثر (پنج ترجمه و شش تألیف) دیگر، با عناوین مختلف (روانشناسی جنایی، روانشناسی قضایی، روانشناسی کیفری، روانشناسی جرائم....) به چاپ رسیده‌اند که به دلیل اشکالهای ساختاری و محتوایی یا حجم کتاب (برای درس دو واحدی) مناسب تدریس در دانشگاه نیستند.

### مروری بر اثر

کتاب شامل پیشگفتار مؤلف، شش فصل، فهرست منابع، نمایه اسامی افراد و دو واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی و

انگلیسی به فارسی) است.

در پیشگفتار، پس از بیان اجمالی از فرایند شکل‌گیری روانشناسی جنایی، هدف اصلی اثر تشریح شده و نمای کلی آن از خلال فصلها مرور شده است. به دانشجویانی که اطلاعات زیر بنایی لازم را در قلمروهای روانشناسی بالینی و روانشناسی مرضی، در دست ندارند، توصیه شده که برای درک عمیقتر اثر به مطالعه کتابهای قلمروهای مذکور بپردازند.

در فصل اول، نخست به ارائه تعاریف جرم از سه دیدگاه قراردادی، تعارضی و تعاملی‌نگر پرداخته شده است: این سه نظریه جرم‌شناسی، به‌رغم همپوشی برخی از جنبه‌های نظری آنها، در حد خطوط کلی، مستقل از یکدیگرند. بحث بعدی به تعریف و تاریخچه شکل‌گیری روانشناسی قضایی و روانشناسی جنایی اختصاص یافته است: شکل‌گیری تدریجی در پرتو روش تجربی و روش بالینی. در قسمت چهارم این فصل، کاربرد روانشناسی در قلمروهای مختلف قضایی مورد بررسی قرار گرفته است: در دعوی‌های حقوقی و تجاری، در مرحله تحقیق و بازپرسیهای اولیه، در ارزیابی اظهارهای متهمان و گواهان، و نقش قاضی پس از صدور حکم، ویژگیهای روش‌شناختی روانشناسی قضایی (جمع‌آوری اطلاعات، اجرای آزمونهای روانشناختی) موضوع بحث پنجم است و با بحث در باب داده‌های آماری در مورد جرایم (آمارهای رسمی، آمار جرایم مبتنی بر خود گزارش‌دهی و نظرسنجی از قربانیان جرایم)، فصل اول پایان می‌گیرد.

در فصل دوم، دیدگاههای مختلف در زمینه علت‌شناسی جرائم طرح شده‌اند. در نظریه‌های روانی-زیست‌شناختی، عوامل ژنتیک و جرم، نظریه‌های زیست‌شناسی و عصب‌شناختی، رابطه ریخت‌های بدنی با شخصیت و جرم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در دیدگاههای روان‌پویشی به موضع‌گیری روان‌تحلیل‌گری و نظریه دلبستگی پرداخته شده است. در نظریه‌های یادگیری، نظریه دوفراپندی، یادگیری کنشی-ابزاری، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه همخوانی افتراقی مورد بحث قرار گرفته‌اند. چهارمین دیدگاه، دیدگاههای شناختی است که در چهارچوب آن، شکست در خودمهارگری، مفهوم مسند مهارگری، ادراک اجتماعی و نظریه‌های مهارگری، پی‌گرفته شده‌اند. تحول اخلاقی در مجرمان به شکل مستقل پس از دیدگاههای شناختی آورده شده است. و بالاخره، تحت عنوان جرم در چهارچوب شخصیت، ابعاد شخصیت در نظریه آیسنک، رابطه این ابعاد با جرم و نتایج پژوهشی به دست آمده در این زمینه ارائه شده‌اند.

فصل سوم به موضوع اختلالات روانی و جرم اختصاص یافته است. در آغاز فصل پس از ذکر نکته‌های کلی، فراوانی بیماریهای روانی در مجرمان و فراوانی جرم در بیماران روانی گزارش شده‌اند. ارتباط انواع اختلالات روانی مانند روان‌گسیختگی، اختلالات خلقی، روان‌دردمندی (اختلال شخصیت ضداجتماعی) با جرم در ذیل این بحث بررسی شده است. به دلیل ارتباط ویژه روان‌دردمندی با جرم، جایگاه این اختلال در مقوله اختلالات شخصیت و توصیف و ضوابط تشخیصی آن بر مبنای چهارمین مجموعه بازنگری شده تشخیصی و آماری انجمن روانپزشکی آمریکا (DSM IV-TR) برجسته شده است. در بخش پایانی فصل، رابطه معلولیت عقلی و جرم، از خلال دیدگاهها و پژوهشها مورد نظر قرار گرفته است.

در فصل چهارم، به روی‌آوردهای روانشناختی نسبت به جرائم وخیم پرداخته شده است. هسته اصلی بحث،

جرایم خشونت‌آمیز و جرایم جنسی است. در آغاز کوشش شده است که معنای مفهوم پرخاشگری که مبنای جرائم وخیم قرار می‌گیرد، با ارائه تعاریف و نظریه‌های روانشناختی و رفتارشناسی طبیعی (روان‌پویشی، رفتارشناسی طبیعی، رفتارنگری، نورفتاری‌نگری، ناکامی - پرخاشگری) و زیست‌شناختی تصریح شود. سپس در بحث خشونت، رابطه خشونت با شخصیت، بستر اجتماعی خشونت‌زا، و برانگیختگی خشونت تحت تأثیر محیط جسمانی و مصرف الکل بررسی شده‌اند. اعتیاد و جرم، مواد توهم‌زا، مواد محرک، مواد مخدر و الکل عناوین بعدی فصل را تشکیل می‌دهند. در نتیجه‌گیری از بخش نخست این فصل، به روابط بین مصرف مواد و الکل با رفتار غیرقانونی از خلال گزارشهای پژوهشی پرداخته شده است. بخش دوم فصل چهارم به انحرافات و جرائم جنسی اختصاص یافته است. پس از ارائه طبقه‌بندی اختلالهای جنسی بر اساس DSM IV-TR، موقعیتهای بروز تجاوز و ویژگیهای روانشناختی تجاوزگران برشمرده شده‌اند. در ادامه جرائم جنسی در رابطه با کودکان به بحث کشیده شده است. در پایان فصل، دیدگاههای نظری درباره جرایم جنسی در مد نظر قرار گرفته‌اند.

روانشناسی شهادت و شهود و نقش روانشناس در دادگاه، عنوان فصل پنجم است. در آغاز، به بیان اجمالی سیر تاریخی شهادت و شهود پرداخته شده است. سپس اهمیت شهادت و نقش روانشناسی در تعیین ارزش و اعتبار شهادت، حافظه شاهد عینی و ادای شهادت مورد بررسی قرار گرفته است. حافظه شهود عینی در سطح دریافتهای حسی و ادراک داده‌ها، عوامل مؤثر بر یادآوری رویدادها، ارزشیابیهای روانشناختی شرایط ادای شهادت، و فرایند بازپرسیها، با مرور بر پژوهشها، تحلیل شده‌اند. سپس به بحث دوگانه صحت (دوری از اشتباه) و صداقت (احتراز از دروغ) شاهد از دیدگاه روانشناختی اشاره شده است. ارزشیابی اظهارات شهود و ارزشیابی اعتبار شاهد از مسائل مورد توجه در بحث صحت و صداقت هستند. در پایان این فصل، به نقش تجربی، بالینی، آماری و مشورتی روانشناس به عنوان کارشناس در دادگاه پرداخته شده است.

در فصل پایانی (ششم)، روشهای پیشگیری و درمانگری مجرمان در قلمرو روانشناسی جنایی طرح شده است. در بحث پیشگیری از جرائم، پیشگیری اولیه و ثانویه با عطف به سه مقوله مداخله‌های زودرس، کاهش مداخله‌های قانونی و کاهش فرصتهای ارتکاب جرم، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بحث درمانگری (پیشگیری ثالث) مجرمان با توجه به جهت‌گیریهای نظری، روشهای متفاوت مداخله‌های روانشناختی (روان‌پویشی، انسانی‌نگری، رفتاری‌نگری و شناختی-رفتاری)، میزان و نوع اثربخشی هریک از روشها با تکیه بر نتایج پژوهشهای مختلف بیان شده‌اند. در پایان این فصل، روشهای درمانگری مجرمان جرایم وخیم (پرخاشگر، روان‌دردمندی و اختلال شخصیت ضداجتماعی، و مجرمان پرخاشگر) مورد بررسی قرار گرفته و شیوه‌های پیشگیری از عود اختلال برجسته شده‌اند.

## برجستگی اثر

کتاب روانشناسی جنایی در میان دیگر آثار ارزشمند مؤلف، واجد برجستگیهای ویژه‌ای است. محتوای کتاب غنی و به روز است: با بیش از ۶۰۰ منبع، که بالغ بر ۸۵ منبع از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱، که تاریخ ۱۶ منبع ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ است. نشر روان و شیوای کتاب و معادل‌سازیهایی دقیق و متناسب فارسی برای اصطلاحات تخصصی، اثر را خواندنی و جذاب نموده است. سازماندهی فصول کتاب منطقی و به گستره موضوعها پوششی منطقی بخشیده است. در بررسی

مسائل به جهت‌گیریهای نظری جدید، و در ذکر یافته‌های پژوهشی به یافته‌های فراتحلیلی، توجه لازم مبذول شده است. فصل پیشگیری و درمانگری پاسخگوی مناسبی برای مقاصد بالینی است و به مخاطبان کتاب افزوده است. فهرست تفصیلی، نمایه اسامی، دو واژه‌نامه (انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی) و زیرنویسها، اهداف آموزشی کتاب را تأمین نموده است.

### کاستیهای اثر

به‌رغم تقسیم‌بندی منطقی فصلهای کتاب، طبقه‌بندی مباحث در فصلهای دوم و چهارم نیازمند حک و اصلاح جزئی است. در فصل دوم، مبحث ۶ (تحول اخلاقی در مجرمان)، می‌تواند در ذیل مبحث ۵-۴ (نظریه‌های مهارگری) قرار گیرد و برای مبحث ۱۱ (فراوانی جرائم جنسی و تجاوز) فصل چهارم، می‌توان «فراوانی» را از عنوان اصلی حذف کرد و تحت عنوان ۱۱-۱ (فراوانی) طرح کرد.

هرچند در فصل اول به موضوع آزمونهای روانشناختی (عنوان ۵-۲) پرداخته شده است، اما افزودن فصلی تحت عنوان «پیش‌آگهی و ارزشیابی رفتار مجرمانه» پیش از فصل ششم، غنای بیشتری به اثر خواهد بخشید. همچنین افزودن یک فصل انتهایی تحت عنوان «چشم‌اندازهای آینده»، اشتیاق جستجوگری را در خوانندگان آینده‌نگر دامن خواهد زد.

همچنانکه مؤلف اثر نیز یادآور شده، دستیابی به آمار و ارقام دقیق و پژوهشهای فاقد مشکلات روش‌شناختی در داخل کشور به دشواری ممکن است. این‌که آثار علمی ایرانی از تحلیل مسائل کشور خویش بازمانند، کاستی تأمل برانگیزی است.

از نظر شکلی، افزودن شماره صفحه‌ها در قسمت عناوین تفصیلی و تنظیم نمایه موضوعی، خوانندگان را یاری خواهد رساند. متأسفانه مانند دیگر آثار منتشر شده از سوی انتشارات سمت، در اثر حاضر نیز به جنبه‌های زیبایی‌شناختی صفحه‌آرایی کم‌توجهی شده است.

### سخن آخر

برای جامعه دانشگاهی، خاصه روانشناسان ایرانی، انتشار کتاب روانشناسی جنایی اقدامی خجسته تلقی می‌شود. انتظار می‌رود این کتاب در میان دیگر آثار برجسته مؤلف، ارزش و اعتبار ویژه‌ای بیابد. کتاب روانشناسی جنایی که براساس مقاصد آموزشی انتشار یافته است، می‌تواند با اهداف آموزشی و کاربردهای متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. از اثر مورد نظر دانشجویان رشته روانشناسی در مقطع کارشناسی به عنوان یک منبع اصلی در درس روانشناسی جنایی، دانشجویان حقوق در مقطع کارشناسی ارشد برای درس روانپزشکی جنایی، می‌توانند بهره‌مند گردند. علاوه بر این، حقوقدانان، قضات و مسئولین دستگاه قضایی با مطالعه کتاب می‌توانند با چشم‌اندازهای نوین روانشناختی در قلمرو قانون آشنا شوند. امید است انتشار کتابهایی از این دست، تعمیق اندیشه‌ها در باب مسائل قضایی را در پی داشته باشد.